

از دواج دوقلویی

گفت‌وگو با خواهر های دوقلویی که با برادر های دوقلو از دواج کردند و علاوه بر صورت، پوشش و چیدمان خانه‌های شان و ... هم با هم مونی‌زند
ماجرای جالب این گونه از دواج ها و چالش های آن چیست؟

نسترن رضوی | خبرنگار

پرونده

ماجرای آشنایی المیراوالنا سیفی با محمدحسن و امیرحسین شفیعیمقدم به حضور در برنامه‌های انجمن دوقلوها و چندقلوهای ایران برمی‌گردد. این خواهرهای دوقلو قبل از ازدواج هم، همیشه مثل هم لباس می‌پوشیدند و از مدرسه تا دانشگاه، در کنار هم بودند و حتی در یک رشته تحصیلی، درس خواندند، اما برادرهای دوقلو بعد از متاهل شدن، تصمیم گرفتند شبیه‌به‌هم لباس بپوشند و حتی در یک اداره مشغول کار شوند. در پرونده‌امروز زندگی سلام، بقیه ماجراهای این ازدواج متفاوت و چالش‌هایی را که برای این دو زوج ایجاد کرده است، بخوانید.



یک ازدواج هیجان انگیز

امیرحسین که قل دوم است، وارد بحث می‌شود و می‌گوید: «ما جزو اعضای قدیمی انجمن دوقلوها هستیم. خانم‌های مان از سال ۹۳ و ما از سال ۹۴ عضو انجمن شدیم و آشنایی ما هم از طریق همین طرحی بود که توضیحاتش را امجدحسن گفت. ما در برنامه‌های انجمن همدیگر را دیدیم و دورادور از هم شناخت پیدا کردیم. سپس ما مدیر عامل انجمن موضوع را مطرح کردیم تا ایشان با خانواده دخترها هماهنگ کنند و در صورت رضایت خانواده آن ها، برای خواستگاری اقدام کنیم. به این ترتیب بعد از

من و الن

معماری خواندیم

محمدحسن و

امیرحسین کامپیوتر

المیرا سیفی، وظیفه معرفی کامل و شرح زندگی نامه این دو زوج را برعهده می‌گیرد و می‌گوید: «من قل اول هستم و خواهرم الن سیفی، قل دوم. ما ۳۱ ساله هستیم، متولد تهران و در تهران زندگی می‌کنیم. ما در همه مقاطع تحصیلی، با هم و در یک کلاس بودیم؛ حتی در دانشگاه. هر دوی مان کارشناسی ارشد معماری داریم و هم اکنون، خانه دار هستیم. ما به جز خودمان، خواهر و برادر دیگری نداریم. همسر من، محمدحسن شفیعیمقدم، قل اول و برادرشان یعنی امیرحسین شفیعیمقدم، قل دوم هستند. همسرهای مان ۳۵ ساله هستند، متولد مشهد و ساکن تهران. محمدحسن کارشناسی کامپیوتر دارد و امیرحسین کارشناسی ارشد انرژی‌های تجدیدپذیر. همسر هر دو نفرمان کارمند هستند و آن‌ها به غیر از خودشان، یک برادر و چهار خواهر بزرگ‌تر هم دارند.

انجمن دوقلوها

۳۵ هزار عضو

در ایران دارد

محمدحسن درباره نحوه آشنایی شان با خواهران سیفی برای ازدواج، بیان یک مقدمه را لازم می‌داند و می‌گوید: «انجمن دوقلوها و چندقلوها در ایران با قدمت بیش از ۱۲ سال و ۳۵ هزار عضو از سراسر ایران با هدف ارائه خدمات و تسهیلات در ابعاد مختلف فرهنگی، رفاهی و سلامت به دوقلوها، چندقلوها و خانواده‌هایشان تشکیل شده است. این انجمن یک سری برنامه‌های تفریحی، جشن ها و تورهای گردشگری برگزار می‌کند و به همین بهانه، دوقلوها و چندقلوهای زیادی دور هم جمع می‌شوند. یکی از طرح‌هایی که به تازگی انجمن شروع کرد و دوپیش می‌برد، طرح حلقه طلایی و مشاوره‌های پیش از ازدواج است که برای کمک به دوقلوها جهت تشکیل زندگی مشترک موفق و پایدارتر با همسرهای تک‌قلوب و دوقلو، شکل گرفته است. در این طرح، هم از کلا دربار به شرط‌های ضمن عقد و عقدنامه و هم از مشاوران متخصص و برتر درباره معیارهای ازدواج موفق، کمک گرفته شده است. آشنایی مادر همین انجمن اتفاق افتاد که بقیه ماجرا امیرحسین برای‌تان تعریف خواهد کرد.»



در ۲ طبقه شبیه به هم هستیم

و هماهنگ لباس می‌پوشیم

«خانه‌هایمان در یک آپارتمان و در دو طبقه متفاوت است، اما از لحاظ چیدمان شبیه هم است و برای ما که زمان زیادی را با هم هستیم، این طور بهتر است.»



المیرا درباره این که چرا همیشه به صورت هماهنگ لباس می‌پوشند، می‌گوید: «ما خانم‌ها همیشه دوست داشتیم که مثل هم لباس بپوشیم و قبل از ازدواج هم بیشتر مواقع، هماهنگ می‌پوشیدیم، ولی همسرهای مان قبل از ازدواج، معمولاً شبیه هم لباس نمی‌پوشیدند. بعد از ازدواج، مواقعی که با هم هستیم، لباس هماهنگ می‌پوشیم. ما خانم‌ها بیشتر تمایل به هماهنگ پوشیدن داریم و همسران مان هم به نظرمان احترام می‌گذارند، اما بین دوقلو و چندقلوهای دیگر، زیاد دیدم که دوست نداشتند شبیه هم لباس بپوشند و سلیقه‌های متفاوتی داشتند، حتی در انتخاب لباس، ولی مادر جیب‌مان این است که شبیه هم لباس بپوشیم شاید به این دلیل که دوست نداریم با هم مقایسه شویم. الان هم بعد از ازدواج، هر چهار نفر با هم هماهنگ لباس می‌پوشیم.

مشکلی که داریم این است که اگر لباس یک نفر خراب شود، بقیه هم نمی‌توانند از آن لباس هماهنگ استفاده کنند و آن را بپوشند!»



هماهنگی، شماره خانواده دخترها را به خواهرمان دادند و سپس مقدمات جلسه خواستگاری هماهنگ و همه چیز از آن جاشروع شد. در یکی دو جلسه اول خواستگاری به این دلیل که هیچ شناختی از یکدیگر نداشتیم، چهار نفری با هم صحبت می‌کردیم تا با روحیه و اخلاق و ... یکدیگر بیشتر آشنا شویم و شناخت پیدا کنیم. این یکی از مهم‌ترین چالش‌های ازدواج دوقلویی است که برای انتخاب همدیگر جهت تشکیل زندگی مشترک باید یکدیگر را انتخاب کنند که کدام‌پسر با کدام دختر ازدواج کند. بعد از چندین

جلسه خواستگاری متوجه شدیم که قل‌های کوچک بیشتر شبیه هم و قل‌های بزرگ، برای هم مناسب‌تر هستند و جلسات بعدی را دوقلوه بر گزار کردیم تا این که بعد از چند جلسه، تصمیم‌مان برای ازدواج قطعی شد. در واقع ازدواج ما کاملاً سنتی و بدون هیچ آشنایی قبلی انجام شد.»

هر ۴ نفرمان، ازدواج دوقلویی را

دوست داشتیم

النادره این که آقا قبل از این که برادرهای دوقلو به خواستگاری شان بیایند، به ازدواج با دوقلوها فکر کرده‌اند یا خیر، می‌گوید: «من و خواهرم ازدواج دوقلویی را دوست داشتیم چون خیلی به هم وابسته بودیم و می‌خواستیم که این کنار هم بودن مان، بعد از ازدواج هم حفظ شود. دوقلوه‌ایک سری ویژگی‌ها، خصوصیات و احساسات خاصی دارند که فقط خودشان می‌توانند یکدیگر را درک کنند و با ازدواج دوقلویی، این درک کردن اتفاق می‌افتد. همسرهای مان هم دوست داشتند که بعد از ازدواج، ارتباط نزدیکی با هم داشته باشند و حتی دوست داشتند که از نظر شغلی هم با یکدیگر همکاری باشند و مثل خواهر و برادرهای دیگر شان نباشند که بعد از متاهل شدن، ارتباط شان کم شده است بنابراین تصمیم به ازدواج دوقلویی گرفته بودند.»

قل‌های بزرگ

صبور تر و قل‌های

کوچک منطقی‌ترند

محمدحسن در پاسخ به این سوال که آیا خصوصیات اخلاقی و سلیقه دوقلوها هم مشترک است و آیا از ازدواج دوقلویی راضی هستند، می‌گوید: «از نظر اخلاقی و شخصیتی باید بگویم که من و برادرم با یکدیگر شبیه هستیم و همسران مان هم با هم، خیلی شباهت دارند و تا امروز هر چه تست شخصیت‌شناسی داده ایم، جواب‌ها بسیار نزدیک به هم بوده است، ولی تفاوت‌های جزئی هم داریم که به ما کمک کرده است. به طور مثال قل‌های بزرگ، احساسی و صبورتر هستند، اما قل‌های کوچک، منطقی‌ترند و قدرت تصمیم‌گیری بالاتری دارند. از نظر سلیقه باید بگویم سلیقه‌های مان هم شبیه به هم است، اما در مواردی که اختلاف داشته باشیم، مشورت می‌کنیم تا به یک نتیجه مشترک برسیم. ازدواج دوقلویی می‌تواند مزایا و معایبی داشته باشد و درست است که چالش‌های زیادی داشته است، اما از آن راضی هستیم و از پس مشکلاتش برآمده‌یم.»



یک عروسی گرفتیم با ۲ عروس و ۲ داماد

المیرا درباره مراسم عروسی شان که به صورت مشترک برگزار شده است، می‌گوید: «مراسم عروسی را در یک شب و در یک تالار با هم برگزار کردیم. چون دوقلو بودیم، فامیل عروس‌ها که یکی بود، فامیل دامادها هم مشترک بود، بنابراین ترجیح دادیم یک عروسی با دو عروس و دو داماد برگزار کنیم که هم مراسم مان خاص شود و هم نیازی به گرفتن عروسی دوباره و پرداخت هزینه‌هایش نباشد. این طور به نظرمان هم برای خودمان بهتر بود و هم برای اطرافیان.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه • ۲۵ آبان ۱۴۰۱
۲۱ ربیع الثانی ۱۴۴۴ • ۱۶ نوامبر ۲۰۲۲
شماره ۳۱۰۸۲

۲۳۰۲

از نظر خودمان

خیلی تفاوت ظاهری داریم

از النامی‌پرسم که آیا ویژگی ظاهری خاصی دارید که دیگران بتوانند شمارا از یکدیگر تشخیص بدهند یا خودتان هم ممکن است دچار خطا شوید که می‌گوید: «ما از نظر خودمان خیلی تفاوت داریم و به راحتی یکدیگر را تشخیص می‌دهیم. برای نزدیکان مان هم قابل تشخیص است، اما شناخت مان برای غریبه‌ها سخت است. همسرهای مان کلیت چهره‌شان یک مقدار متفاوت است و یک نفر از ما خواهران روی صورت مان خال داریم. ماتن صدا و لحن صحبت کردن مان هم با یکدیگر کمی متفاوت و قابل تشخیص است، اما تن صدای همسرهای مان خیلی شبیه هم است، ولی لحن صحبت کردن شان، با هم فرق می‌کند. بین من و خواهرم، المیرا شیطن‌اش بیشتر است و من آرام‌تر هستم.»

واکنش مردم در مواجهه

با ما خیلی با مزه است

امیرحسین درباره واکنش مردم در زمان دیدن آن‌ها در کوچه و خیابان می‌گوید: «خاطره که زیاد داریم. به طور مثال وقتی مردم ما را می‌بینند، بعضی می‌خندند، بعضی یواشکی ما را به هم نشان می‌دهند و به طور کلی عکس‌العمل مردم وقتی با ما مواجه می‌شوند، خیلی با مزه است. ولی یکی از خاطرات جالب چهار نفرمان مربوط می‌شود به دوران عقدمان که دنبال خرید خانه بودیم. چند روز بود که با هم به دفترهای مشاور املاک می‌رفتیم و دنبال خانه بودیم و کلی وقت مان را با سوال‌های عجیب و غریب می‌گرفتند. چون فرصت کمی داشتیم، تصمیم گرفتیم که جدا از هم دنبال خانه بگیریم. من و همسرمان از یک دفتر مشاور املاک، نشانی یک خانه را گرفته بودیم، مشاور املاک هم راهنمایی کرد که از سمت چپ بروید در کوچه فلان. ما داشتیم می‌رفتیم و به برادرم زنگ زدم که ما نشانی یک خانه را گرفته ایم، شما هم بیایید به این نشانی. به طور اتفاقی، آن‌ها دقیقاً از جلوی همان دفتر رد می‌شوند و مشاور املاک آمده بیرون و گفته که آقا چی کار می‌کنی؟ من سمت چپ نشانی دادم، چرا از سمت راست سر در آوردی؟ خانه را دیدید و چی شد؟ برادرم و همسرش هم گفته بودند که ما آن‌ها نیستیم! او هم باورش نشده بود و بیشتر شاکی شده بود که یعنی چه؟ چرا ما را سر کار می‌گذارید و سروصدار ا‌نداخته بود. بعد زنگ زدند به ما که بیایید، این بنگاه‌ها باور نمی‌کنند. مجبور شدیم برگردیم تا آن‌ها را نجات دهیم و دوباره کلی وقت مان برای دیدن یک خانه گرفته شد!»

خصوصیات خانم‌های مان نسبت به ما

بیشتر شبیه به هم است

امیرحسین در پاسخ به سوال آخرمان درباره این که دوقلوه‌های خانم بیشتر شبیه هم هستند یا دوقلوه‌های آقا، می‌گوید: «وقتی دو نفر از بدو تولد در کنار هم بزرگ می‌شوند، در یک محیط، خانواده و یک طرز تفکر رشد می‌کنند، قطعاً ویژگی‌های مشترک زیادی خواهند داشت. هر چند انسان، موجودی منحصر به فرد است و خداوند هیچ انسانی را کاملاً شبیه به هم نیافریده است. درباره شباهت‌ها به طور مثال وقتی برای خرید بیرون می‌رویم، سلیقه خانم‌ها برای انتخاب خیلی شبیه هم است و زمانی که می‌پرسم چرا هر دو یک مدل را انتخاب کردید، هم‌زمان به یک ویژگی خاص که نظرشان را جلب کرده است، اشاره می‌کنند در حالی که مامعیارهای متفاوتی را مدنظر قرار می‌دهیم. خانم‌های مان در مسائل روزمره و جزئیات خیلی دقیق و نکته‌سنج هستند، اما من و برادرم، اهل کارهای هیجان‌انگیز هستیم. در مجموع اگر بخواهم ویژگی‌های مشترک مان را نسبت به خانم‌های مان در نظر بگیرم، این ویژگی‌ها بین من و برادرم کمتر است شاید به این دلیل که به خاطر دانشگاه و سربازی، چند سالی از هم دور بودیم.»

دوست داریم بچه‌های مان هم دوقلو باشند

النادره درباره سختی‌ها و شیرینی‌های داشتن فرزند دوقلو می‌گوید: «ما خودمان هم دوست داریم بچه دوقلو داشته باشیم البته که دوقلو داشتن سختی‌های خودش را دارد. ما در خانواده مان دیده ایم و می‌دانیم که آن‌ها برای بزرگ کردن مان خیلی زحمت کشیدند و اذیت شدند و همین جایی‌خواهم از آن‌ها یک تشکر ویژه داشته باشم، اما با هم بزرگ شدن دوقلوها و این که همیشه یک دوست و همراه هم سن دارند و تنها نیستند، خیلی لذت بخش است، همان طور که ما لذت در کنار هم بودن را حس می‌کنیم.»